

حمله حماس به اسرائیل و جنگ غزه

موضعگیری

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲)، سازمان اسلامی - تروریستی حماس (جنبش مقاومت اسلامی)، در یک تجاوز نظامی به جنوب خاک اسرائیل، در مرزهای شمالی و شرقی غزه، صدها تن از شهروندان اسرائیلی - زن، مرد، پیر، جوان و کودک - را به رگبار گلوله بست. بیش از ۱۰۰ تن از ملیتهای مختلف را اسیر و به گروگان گرفت. بیش از ۲۰۰ پسر و دختر شرکت کننده در جشنواره موسیقی سوپرنوا را با قساوتی فجیع به قتل رساند. هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز، در دنیای بشری و متمدن، نمیتواند توجیه گر چنین بربریتی گردد.

جنب جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران حمله و کشتار دسته جمعی و تروریستی حماس را شدیداً محکوم میکند و آن را یک جنایت جنگی و یک جنایت علیه بشریت می نامد.

در پی حمله ی ۷ اکتبر، ما امروز، برای پنجمین بار در پانزده سال گذشته، شاهد فاجعه ای انسانی جدیدی در نوار غزه هستیم. ارتش اشغالگر اسرائیل به بهانه نابودی نیروهای حماس، چندین هزار هدف (ساختمانها و مجتمع های بزرگ مسکونی) را مورد بمباران ها سنگین خود قرار داده که نتیجه آن تا امروز، کشته شدن بیش از دو هزار تن از مردم بیگناه غزه از جمله صدها کودک است. بیش از یک هفته است که دسترسی به آب، برق و مواد سوختی برای ۲،۳ میلیون مردم غزه مسدود شده و میرود تا هزاران تن از مردم این شهر پرجمعیت، به ویژه کودکان، زنان و

سالمندان، را به نیستی، بی خانمانی و آوارگی کشاند. چنین پیداست که هدف دولت اسرائیل انتقام دسته جمعی از مردم غزه می باشد. هیچ چیز، مطلقن هیچ چیز، در دنیای بشری و متمدن، نمیتواند توجیه گر چنین بربریتی علیه ۲،۳ میلیون انسان بی گناه گردد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران حمله و تجاوز به جان، مال و کاشانه شهروندان غزه و قطع آب، برق و مواد سوختی بر روی آنان از سوی دولت و ارتش اسرائیل را شدیداً محکوم میکند و آن را یک جنایت جنگی می شمارد.

به باور ما، نزاع تاریخی و دیرینه هفتاد ساله میان اسرائیلی ها و فلسطینی ها بر سر خاک در این منطقه، تنها از راه سیاسی و نه نظامی، از راه مسالمت آمیز و گفت و گو، از راه پایان دادن به کولونی سازیها و سرکوب مردم فلسطین در کرانه باختری رود اردن و محاصره غزه، از راه احترام متقابل، از راه به رسمیت شناختن موجودیت دو سرزمین مشخص و مجزای فلسطینی و اسرائیلی و بالاخره از راه تشکیل دو دولت مستقل، آزاد، دموکراتیک و لائیک، فرجام مناسب، صلح آمیز، انسانی و متمدنانه خود را میتواند پیدا نماید.

در این سالها، رژیم جمهوری اسلامی ایران، تبدیل به یکی از پشتیبانان اصلی حماس و جهاد اسلامی در غزه، از منظر نظامی، مالی و سوق الجیشی شده است. این رژیم، که خود یک قدرت بزرگ تروریستی اسلامی و استیلا طلب در خاورمیانه است، تمام کوشش خود را برای احراز مقام رهبری دنیای اسلام و اعمال هژمونی و سلطه ی خود بر آن، در مقابل دیگر رقبای در منطقه، عربستان سعودی، قطر، ترکیه و... به کار می برد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران بر این باور است که مردم آزادیخواه ایران، با پایان دادن به حاکمیت نکبت بار جمهوری اسلامی در داخل کشور و

نقش مخرب هژمونی طلبانه ی آن در خاورمیانه، می تواند در شکل گیری راه حل های صلح آمیز در مناقشه تاریخی اسرائیل - فلسطین سهم خود را چون دوستداران مردم فلسطین و مردم اسرائیل ادا نماید.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

15 اکتبر ۲۰۲۳ - 23 مهر 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

اهدای جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ به
نرگس محمدی





روزنامه لوموند، فرانسه، شماره پنجشنبه ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳.
کاریکاتور از مانا نیستانی

بیانیه جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۲ - ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳

جایزه صلح نوبل ۲۰۲۳ برای دومین بار به یک زن ایرانی تعلق گرفت. نرگس محمدی، مدافع حقوق بشر و مبارز مدنی که هنوز در زندان جمهوری اسلامی بسر می‌برد. زنی که دهه‌هاست در برابر استبداد اسلامی و قوانین زن ستیزش ایستاده، مقاومت کرده و بهای آن را با چندین و چند بار به زندان رفتن پرداخته است. اهدای این جایزه به نرگس محمدی نشان از آشنایی جامعه جهانی به تاریخ مبارزات زنان و مردان ایران در راه آزادی و برابری دارد.

بی شک نقش این زن مبارز و فعال حقوق بشر در خیزش بزرگ مهسا بی تاثیر نبوده. او یکی از مدافعان

سرسخت آن بوده است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران اهدای
این جایزه را به مبارزان، همه زندانیان سیاسی -
عقیدتی و مدافعان حقوق بشر تبریک میگوید.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

به مناسبت سالروز مهسا (ژینا)

بیانیه‌ی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک
ایران



خیزش انقلابی □□□□□□ □□□□□□ که در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی شروع شد، روز ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر) یکساله میشود و همراه خود خاطره هزاران تن از مبارزینی که زندگی خود را چه در ۴۴ سال گذشته و چه در طول جنبش مهسا برای کسب دموکراسی در ایران از دست دادند زنده می‌سازد.

خروشی که با نام مهسا آغاز شد نه تنها دولت مستبد مذهبی، اقتدارگرا و تجددستیز را بیش از گذشته از اعتبار اجتماعی ساقط کرد، بلکه حوزه‌های اعتقادی شان را هم صریحا و مصرانه به چالش کشید، آنگونه که امروز حتی خودی‌هایی از میان این تجدد ستیزان، مانند اصلاح طلبان، را به جمع شکاکین و چالش‌گران کشانده است و از هر خانه‌ای صدایی مهسا مانند بگوش می‌رسد؛ صدایی که نه پوشاندنی است و نه خاموش شدنی.

رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و اتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی، از خواسته های اصلی "جنبش زن، زندگی، آزادی" بوده و هست.

با وجود این، باید از تورم لجام گسیخته، بی ارزش شدن پول ملی و بیکاری که کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده و نرخ بالای تورم که اقتصاد کشور را در سراشیب سقوط قرار داده است هم به

عنوان عوامل مهم ناراضایتی مردم نام برد.

گسترش و شدت اعتراضات، رادیکال بودن خواستهای معترضین در خیابانها که به کمتر از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی راضی نبودند، و یا دادن شعارهای رادیکال از پنجره خانهها در ساعات شب که نوک و مرکز قدرت را نشان گرفته بود، باعث استیصال دولت و نیروهای سرکوبگر آن شده و رژیم بیش از هر زمان به سرنگونی و سقوط نزدیک شده بود.

صدها کشته، هزاران زخمی و به بند کشیدن بیش از بیست هزار نفر، نتیجه خشونت لجام گسیخته نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی می باشد.

امروزه اگر چه اعتراضات خیابانی فرو کش کرده، اما به رغم تمام سرکوبها، مبارزات مردم بویژه زنان و جوانان ادامه دارد. دختران و زنان با نافرمانی مدنی در مورد حجاب اجباری هرروز در حال مبارزه و به تمسخر گرفتن قوانین زن ستیز حجاب جمهوری هستند.

وظیفه اپوزیسیون جمهوریخواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بینالمللی با آن و تلاش برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان است.

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران از تمام حرکت‌های اعتراضی روز ۱۶ سپتامبر، سالروز قتل ژینا، پشتیبانی و حمایت میکند و در راستای سنت‌های خود، خواهان همکاری و همگرایی با روندهای جمهوریخواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان‌های اقتدارگرا و غیردموکرات، از طیف‌های مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و آترناتیوهای خود افتاده‌اند، بیش از همه ضروری و مبرم می‌گردد.

زن، زندگی، آزادی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

9 سپتامبر ۲۰۲۳ - 18 شهریور 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در محکومیت درگیری مسلحانه بین دو حزب کرد



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران



اطلاعیه

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

در پی بروز اختلافات میان دو حزب کومله زحمتکشان کردستان ایران و حزب کومله کردستان ایران درگیری مسلحانه ای در اقلیم کردستان روی داد که منجر به کشته شدن دو تن و بستری شدن دو تن دیگر گشت .

به گمان ما جای دیالوگ، تعامل، و تبادل گفتگوهای دموکراتیک با سلاح و خشونت جایا شده است که مایه تاسف است. این امر موجب ناامیدی و دلسردی مردم مبارز ایران خواهد شد و بیاعتمادی از اپوزیسیون اش را دامن میزند.

از این رو، جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، احزاب، سازمانها و کنشگران آزادی خواه، جمهوری خواه و دموکرات ایران را دعوت به موضع گیری و محکوم کردن این درگیری مسلحانه می کند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، بدین وسیله، درگیری مسلحانه بین این دو تشکیلات سیاسی را شدیداً محکوم می کند. هیچ چیز، مطلقاً هیچ چیز، نمیتواند و نباید توجیه گر توسل به خشونت، قهر و اسلحه به جای دیالوگ، تعامل و تبادل گفتاری و دموکراتیک، در حل و فصل اختلافات سیاسی و تشکیلاتی بین احزاب و سازمانها گردد.

ما امید داریم که این سازمانها با شناسایی آمران و عاملان این درگیری، شفاف سازی، روشن کردن علل درگیری و یافتن راه حلی خردمندانه برای پایان دادن به اختلافات میان دو تشکیلات از بروز مجدد چنین اتفاقات خشونت بار و تاسف انگیز جلوگیری کنند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

7 ژوئیه 2023 - 16 تیر 1402

گردهمایی سراسری دوازدهم جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لا ئیک ایران



گردهمایی “”

بیانیه سیاسی

۱- خیزش انقلابی “” “” در اعتراض به کشته شدن مهسا (ژینا) امینی توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی، از ۲۶ شهریور در ایران آغاز شد و طی چهار ماه کمابیش با شدت و گستردگی ادامه پیدا کرد، این خیزش با طرح خواست اصلی و محوری سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، خیزشی بی‌سابقه و انقلابی در طول ۴۴ سال حاکمیت اسلامی در کشور ما بود. در جریان آن، بنا بر آمار نهادهای حقوق بشری بین‌المللی، بیش از ۵۰۰ نفر از معترضان خیابانی کشته شدند، بیش از ۱۴ هزار نفر از فعالان

و معترضان دستگیر، ده‌ها نفر نفر محکوم به اعدام و چندین نفر نیز به دار آویخته شدند و از سرنوشت ده‌ها تن دستگیر شده و زندانی نیز هیچ خبری در دست نیست. با وجود سرکوب و کشتار، اما این خیزش اعتراضی ضد دیکتاتوری و ضد دین سالاری در ایران تا کنون از پای ننشسته است چون ریشه در ژرفای جامعه‌ی ستم‌دیده ایران دارد. پی‌آمد بیش از چهار دهه نظام تبعیض‌آمیز دینی همراه با رانت خواری، دزدی و دروغ، قتل و غارت، ناکارآمدی و بی‌کفایتی حاکمان در حل کوچکترین مشکلات و مسایل جامعه و بالاخره سیاست‌های زن‌ستیز رژیم باعث خیزش انقلابی زن‌زندگی آزادی شد و مردمان اقوام و اقشار گوناگون و به ویژه تهیدستان کثیری را برای اعتراض به خیابان‌ها کشید و مرحله‌ی نوینی از رشد آگاهی و پیکار برای کسب آزادی و دموکراسی در ایران را بازگشود، که نویدبخش قیام‌های بزرگ در آینده‌ای نه چندان دور خواهد بود.

۲- این خیزش انقلابی نشان داد که خواست اصلی اکثریت بزرگ مردم ایران امروز، دستیافتن به آزادی و دموکراسی و پایان دادن به دین‌سالاری و تبعیض‌های گوناگون آن، از راه سرنگونی رژیم و نه اصلاحات غیرممکن آن است. این خواست را معترضین کف خیابان با شعارهای خود: **نه به دیکتاتوری!، نه به جمهوری اسلامی! و زنده باد آزادی!**، روزها و شبها بر زبان آوردند. جامعه‌ی ایران در اکثریت شکننده‌اش، از اقشار و طبقات مختلف، با این که در انبوه ملیونی خود به خیابان نیامد، اما با شیوه‌ها و از راه‌های گوناگون با این خواست اصلی معترضان هم‌سویی، همراهی و همبستگی نشان داد.

۳- خیزش ۱۴۰۱ خیزشی خودجوش و خودانگیخته زنان و جوانان برای آزادی و رهایی از دیکتاتوری بود. با شعارها، خواسته‌ها، ابتکارها و اقدام‌هایش، این جنبش از پیش‌سازماندهی و برنامه‌ریزی نشده بود و از سوی گروهی، دسته‌ای و یا جریان‌ی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، هدایت نمی‌گردید. این خیزش در جریان

روند مستقل خود دارای تشکیلات و رهبری نبود، با این که در فرایند حرکت و گسترش خود، به گونه‌ای خودجوش، خودمحور و خودمختار، شکل‌ها و شیوه‌هایی از هماهنگی، همکاری، خبررسانی و سازماندهی‌های جنینی، موضعی، افقی و محلی میان خود را توانست، به رغم همه‌ی موانع و مشکلات ناشی از سرکوب، به وجود آورد.

۴- خیزش ۱۴۰۱ ذهنیت مبارزانی و مقاومتی جنبش‌های پیشین را چون تجربه و خاطره با خود به همراه داشت. این جنبش خیزش انقلابی را می‌توان ادامه‌ی جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشین در ایران، جنبش‌های صنفی، مدنی، سیاسی و همچنین اعتصابات و اعتراضات گوناگون، از دهه‌ی ۸۰ تا کنون توضیح داد: جنبش ۱۳۸۸ در اعتراض به تقلب در انتخابات دهم ریاست جمهوری، جنبش دیمه ۱۳۹۶ در اعتراض به گرانی کالاها و مایحتاج عمومی، جنبش خرداد ۱۳۹۷ در رابطه با مشکلات اقتصادی، جنبش آبان ۱۳۹۸ در اعتراض همگانی به سهمیه‌بندی بنزین و سرانجام جنبش تابستان ۱۴۰۱ در اعتراض به بحران و کمبود آب. با این همه اما، خیزش زن زندگی آزادی، از سنخ و سرشت دیگری بود. ویژگی اصلی، ممتاز و متمایز آن نسبت به جنبش‌های گذشته در ایران، از یکسو خواست رادیکال سیاسی، گفتمان غیردینی (حتی ضد دینی) و بیشک ضد دین‌سالاری و از سوی دیگر نقش بسیار برجسته زنان، جوانان، نوجوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان آزادخواه در خیزشی بود که از اقشار، طبقات، اقوام و از محلات مختلف در شهرها و شهرستان‌های بزرگ و کوچک ایران برمی‌خاستند.

۵- چند ویژگی خیزش □□□□□ □□□□□□ را اشاره می‌کنیم:

- شرکت و حضور گسترده زنان به گفته تحلیل‌گران بسیاری در مقایسه با اعتراضات پیشین قابل ملاحظه است. دلیل آن بی‌تردید مخالفت با حجاب اجباری و زن‌ستیزی حاکمیت اسلامی است که مردان و پسران جوان و نوجوان با شوری فراوان به پشتیبانی از این خیزش برخاستند. حتا در مناطقی چون سیستان و بلوچستان

که به دلیل ویژه‌گی‌های فرهنگی به طور معمول زنان کمتر در حرکت‌های اجتماعی شرکت می‌کردند، این بار شاهد حضور چشم‌گیر آنان بودیم.

- پایین بودن سن معترضان، بنا به گزارش خبرگزاری‌های رسمی داخل کشور، حدود ۸۰ درصد بازداشتی‌ها نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله بودند که با توجه به سهم ۱۳ درصدی جمعیت کل کشور، نشان از مشارکت فراوان جوانان در این خیزش انقلابی است.

- گسترش اعتراضات در تمام مناطق و استان‌های کشور و در بیش از ۱۴۰ شهر و شهرستان و بخش. اعتراضات متعدد گروهی روزها و شبها در نقاط مختلف هر شهر، تنها در تهران در بیست مکان مختلف، معترضان خیابانی ماموران سرکوب نظام، بسیجی‌ها و پاسداران را به استیصال کشاندند. اعتراضات در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کردستان و گیلان بیشتر و پی‌گیرتر از هر منطقه‌ی دیگر ایران ادامه پیدا کرد.

به طور کلی و در یک کلام می‌توان گفت، در خیزش انقلابی ۱۴۰۱، خواست اصلی معترضان رهایی از فشار و سلطه و تبعیض دینی و آتنیکی، به ویژه نسبت به زنان، جوانان و اقلیت‌های قومی، برای یک زندگی در آزادی بود. سایر خواست‌های اجتماعی و اقتصادی چون عدالت اجتماعی، برابری و معضلات معیشتی، صنفی، محیط زیستی، فقر، بیکاری، کم‌درآمدی، پائین بودن حقوق بازنشستگی، گرانی و غیره که در جنبش‌های اعتراضی سال‌های پیش مطرح می‌شدند، در این خیزش نیز البته همچنان با شدتِ باز هم بیشتر به جای خود باقی مانده و مطرح بوده‌اند. اما در این حرکت نوین بی‌سابقه، این‌ها همه به عنوان مطالبات اقتصادی، صنفی و مدنی، در پرتو یک خواست اصلی، تعیین‌کننده و شاخص که همانا پایان دادن به عمر دیکتاتوری و دستیافتن به آزادی بود و این را نیز معترضان تنها از راه سرنگونی تام و تمام رژیم جمهوری اسلامی امکان‌پذیر می‌شمردند.

۶- نهادها و انجمن‌های صنفی و مدنی در ایران در چند دهه اخیر، با این که از آزادی تشکل و فعالیت برخوردار نیستند - چون شورای هماهنگی معلمان، اتحادیه بازنشستگان، سندیکای کارگران هفت تپه و شرکت واحد، کانون نویسندگان ایران، اتحادیه‌های دانشجویی و دیگر نهادهای همسان - توانسته‌اند با اعتراض‌ها، اعتصاب‌ها و تحصن‌های مستمر و گسترده خود در اکثر نقاط کشور نقش مهمی در رشد جنبش‌های اجتماعی و آگاهی مبارزاتی و مقاومتی مردم ایفا کنند. این نهادها، در جریان خیزش انقلابی □□□□□□ □□□□□□، همراهی و هم‌سویی خود را با زنان و جوانان مبارز و آزادی طلب از راه‌های گوناگون نشان دادند و امروز نیز، در شرایط افت موقت اعتراضات، خاموش ننشسته‌اند و با هر امکان و وسیله‌ای به خیابان می‌آیند تا شعله خشم و نفرت مردم به ستوه آمده را زنده نگاه دارند.

۷- شعار □□□□□□ □□□□□□ که به پرچم نمادین خیزش انقلابی ایران تبدیل شد، هویت مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی با دو خصوصیت اصلی دین‌سالاری و ستم بر اقوام را نشان داد. زن‌ستیزی و تبعیض بر اقلیت‌ها به ویژه بر اِتنی‌های ساکن ایران، بیان‌گر چیزی نیست جز دشمنی بنیادین حاکمیت اسلامی با زندگی انسان‌ها در آزادی، آزادگی و برابری با ویژگی‌های جنسیتی، فرهنگی و قومی‌شان. خیزش برخاسته از مرگ مهسا (ژینا)، با اعتراض زنان به حجاب اجباری، با از سر برداشتن روسری‌ها و آتش زدن آن‌ها آغاز شد و با شورش بخش‌های گسترده‌ای از اقشار مختلف اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی و اقلیت‌های قومی، از کردستان تا بلوچستان با گذر از دیگر استان‌های ایران، برای رهایی از سلطه و ستم ادامه پیدا کرد.

زنان ایرانی به طور فزاینده‌ای از محدودیت‌های زندگی شخصی و حرفه‌ای خود به تنگ آمده‌اند. آن‌ها با مجموعه‌ای از موانع قانونی، فرهنگی و مذهبی مواجه هستند که فرصت‌ها و آزادی آن‌ها را محدود

می‌کند، از جمله محدودیت در خود مختاری شخصی، پوشش، تحصیل و اشتغال. در درازای چهل و اندی سال تبعیض و زن‌ستیزی در جمهوری اسلامی، جنبش اجتماعی برای "زن، زندگی، آزادی" با میل به رفع این موانع و ترویج برابری و آزادی بیشتر برای زنان در ایران تقویت شده است. در حقیقت، خیزش زن زندگی آزادی محصول تغییرات اجتماعی و اقتصادی در کشور است. این تغییرات به خواسته های فزاینده برای آزادی و برابری بیشتر برای زنان و در نتیجه به یک جنبش اجتماعی بزرگ زنان در کشور ما انجامیده است. این جنبش همچنین تحت تأثیر تغییرات فرهنگی در ایران قرار گرفته است، زیرا نسل‌های جوان نقش‌های جنسیتی سنتی را رد و طرد می‌کنند و خواهان آزادی و برابری بیشتر هستند. در نهایت، جنبش اجتماعی برای « زن آزادی زندگی » در ایران، نمونه‌ای از قدرت جنبش‌های اجتماعی برای ایجاد تغییرات اجتماعی بنیادین و ایجاد شکل‌های جدید زندگی و به طور کلی خود جامعه است.

□□□□□ □□□□□ در عین حال یک شعار فمینیستی در اوضاع و احوال جهانی است که امروزه با نابرابری جنسیتی و با اشکال مختلف خشونت و تبعیض علیه زنان، شهروندان و... رو به رو می‌باشد. این شعار در عین حال جهان‌شمول است چون مسأله آزادی زنان در دنیای امروز را طرح می‌کند. در دنیایی که از هر سو، آزادی‌های اساسی، دموکراسی، جمهوریت، حقوق بشر و اقلیت‌های اتمیکی، برابری و غیره بیش از پیش مورد حمله‌ی نیروهای استبدادگرا، خودکامه، نژادپرست، توتالیتار و پوپولیست قرار می‌گیرند. از این رو می‌توان به راستی درک کرد که چگونه شعار مرکزی خیزش انقلابی ایران مورد پذیرش و استقبال فراوان نیروهای فمینیست، دموکرات، آزادی‌خواه و ترقی‌خواه جهان قرار گرفت. با توجه به نکات بالا می‌توان گفت خیزش "زن، زندگی، آزادی" دارای ویژگی‌های گفتمانی و فرهنگی نوینی (غیر دینی) است که در سال‌های اخیر در کوران مبارزات و خیزش‌های چند سال اخیر تدوین شده و مورد استقبال اکثریت

مردم ستمدیده و جنبش‌های مدنی قرار گرفته و نموده‌ای آنرا می‌توان در اشکال مبارزاتی، ترانه‌های بیشمار انقلابی و شعارها دید.

۸- اگر چه نابرابری و فشاری که بر زنان از همان فردای انقلاب ۵۷ و در درازای عمر نظام روا رفته ناگفتنی است، اگر چه جوانان از تحمیل سبک زندگی و محدودیت‌های واپسگرانه حکومت اسلامی بستوه آمده‌اند، اما انگیزه‌های دیگری نیز در خیزش اجتماعی اخیر تاثیر داشته‌اند. واقعیت این است که تورم لجام گسیخته، بی ارزش شدن پول ملی و بیکاری کمر مردم را زیر بار گرانی و نداری خم کرده است. نرخ بالای تورم، اقتصاد کشور را در سراشیب سقوط قرار داده است. وزارت کار ایران در گزارش سالانه خود، از رشد چشمگیر شمار مستمندان کشور خبر داده است، از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ یکسوم جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق کشیده شده‌اند.

در این میان، دولت برای حل مشکلات اقتصادی و نقدینگی خود و تأمین بودجه کشور دست به حراج اموال عمومی تحت نام "مولد سازی" می‌زند، که حتا خلاف قوانین خود جمهوری اسلامی است. بنا بر فرمان رهبری و از بالای سر مجلس، هیئت هفت نفره‌ای مرکب از بدنام‌ترین افراد حکومتی اختیار تام گرفته است که با مصونیت کامل قضائی ثروت‌های متعلق به مردم که بالغ بر صدها میلیارد دلار می‌شود را قیمت‌گذاری کرده و به فروش رساند.

۹- کنشگران آزادی‌خواه ایران موظفانند، همراه با شعار □□□□□□ □□□□□□ و در تکمیل ضروری و اثباتی آن، شعارهای سیاسی - اجتماعی ایجابی خود را در اوضاع کنونی مطرح کنند. آن‌ها امروزه باید بر این حقیقت تاریخی درنگ کنند که در سیاست و در مبارزات اجتماعی، تنها با نفی کردن کاری از پیش نمی‌رود و نخواهد رفت. در این جاست که اعلام موضعی ایجابی و اثبات‌گرا ضرورت پیدا می‌کند. مبارزه در چهارچوب شعارهایی صرفاً نفی‌گرا چون «نه به دیکتاتوری»، «نه به جمهوری اسلامی»... اگر همراه و هم‌زاد نشود با

بیان اثباتی یک طرح سیاسی- اجتماعی جایگزین، آشکار و ایجابی، در برابر جمهوری اسلامی و آلترناتیوهای ارتجاعی و اقتدارگرای دیگر، هیچ تغییری در اوضاع به وجود نخواهد آورد. امروز، سه شعار ایجابی جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران عبارتاند از: نه به دیکتاتوری، آری به دموکراسی؛ نه به دینسالاری، آری به لائیسیت؛ نه به پادشاهی، آری به جمهوری.

دموکراسی چون مشارکت مردمان در اداره‌ی امور خود، ممکن نیست مگر با استقرار آزادی‌های گوناگون بیان، اندیشه، عقیده، تشکل و تجمع، به‌ویژه آزادی مخالفت کردن، آزادی اعتراض، تظاهرات و اعتصاب؛ آزادی مطبوعات و رسانه‌های مستقل، آزادی فعالیت‌های مدنی... دموکراسی یعنی پلورالیسم و چندگانگی که با هر گونه مناسبات اقتدارگرا، دیکتاتوری، پادشاهی، فرد سالاری، دین‌سالاری، تک‌حزبی، توتالیتار در تضاد قرار می‌گیرد.

لائیسیت چون جدایی دولت (سه قوای قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی) و دین، برابری همه‌ی شهروندان مستقل از اعتقادات دینی یا غیر دینی‌شان را تضمین می‌کند. در لائیسیت، دین رسمی وجود ندارد، مذهب و دین امر خصوصی تلقی می‌شوند و هر فرد آزاد است که باورمند به دین، بی‌دین یا ضد دین باشد.

جمهوری در مقابل پادشاهی و سلطنت قرار می‌گیرد. در جمهوریت، سیاست، دولت، حکومت و به طور کلی اداره‌ی امور جامعه و کشور، امر عموم است و نه در انحصار فردی، دسته‌ای، شورایی، حزبی، طبقه‌ای و یا نمایندگان‌ی حتماً منتخب. جمهوری یعنی استقلال سه قوای اجرائی، قانون‌گذاری و قضایی. یعنی انتخابی بودن مقامات کشوری برای مدتی محدود و معلوم، از رئیس‌جمهور تا دیگر مسئولان دولتی، نمایندگان مجلس و غیره. جمهوری مورد نظر ما، با این که باید نهبان یکپارچگی و تقسیم‌ناپذیری ایران باشد، اما به هیچ رو نباید تمرکزگرا باشد، با توجهی ویژه به شرایط یک سرزمین چند اتنیک با زبان‌ها و

فرهنگ‌های گوناگون و با خواسته‌های دموکراسی‌خواهانه و برابری‌طلبانه از سوی مناطق مختلف، شکل و مضمون کشورداری غیرمترکز در شکل‌هایی چون خودمختاری، فدرالیسم یا مجالس منطقه‌ای و استانی... در چهارچوب کشوری واحد را مردم ایران از راه دموکراتیک و با تشکیل مجلس مؤسسان خود تعیین و تبیین خواهند کرد.

۱۰- جنبش‌های اجتماعی نوین - کنونی در جهان، و همچنین در ایران - امروز ما، با نفی و ردِ تحزب سنتی که عموماً هی‌رارشیک، قدرت‌طلب، انحصارطلب، دولت‌گرا، غیر دموکراتیک و اقتدارگراست، در پیِ ابداع و ایجاد شکل‌های جدید و متفاوتی از سازماندهی و تشکل برای تغییرات بنیادی اجتماعی می‌باشند. چنین امری، به‌ویژه در رژیم‌های دیکتاتوری و استبدادی چون جمهوری اسلامی ایران، یعنی در نبود دموکراسی و آزادی، کار دشواری است، اما غیر ممکن نیست. این تشکلیابی‌های نوین می‌خواهند به صورت جنبشی، افقی، شبکه‌ای و غیرسلسله‌مراتبی عمل نمایند. دموکراتیک، مستقل از دولت و احزاب، خودمختار و خودگردان باشند و سرانجام متکی بر مجامع عمومی تصمیم‌گیرنده و اجراکننده.

۱۱- کوشش مردم در خیزش اخیر، حفظ خصلت مسالمت‌آمیز اعتراضات و تظاهرات خیابانی خود بوده است. اما حملات وحشیانه نیروهای انتظامی (پاسدار و بسیجی) به معترضان، در مواردی مردم را ناگزیر به دفاع از خود می‌کند، که نشانگر میزان خشم و نفرت انباشته شده نسبت به حکومت زور و سرنیزه است. با این حال، می‌دانیم که امر والای آزادی و دموکراسی در هر کشوری تنها از راه مبارزات مسالمت‌آمیز میسر و مطلوب است و نه با توسل به همان ابزار که سلطه‌گران به کار می‌گیرند، یعنی قهر و خشونت. اما این را هم می‌دانیم، و دیباچه جمهوری اسلامی (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) نیز به آن اشاره دارد که «جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دموکراتیک و مسالمت‌آمیزی است که در آن هیچ‌کس هیچ‌کس را با زور و خشونت تسلیم نمی‌کند».

۱۲- فکر ایجاد رهبری در خارج از کشور تلاشی بی‌ثمر و موهوم است. دست زدن به ایجاد آلترناتیوهای در خارج از کشور چیزی نخواهند بود جز سرهم کردن "رهبری"هایی کاذب، خودساخته، سایبری یا وکالتی... جدا از میدان اصلی اجتماعی و مبارزاتی و از بالا. این گونه بدیل‌سازی‌های بی‌ریشه و جدا از جامعه واقعی توسط احزاب، افراد یا کنشگران تبعیدی، خواسته یا ناخواسته، برای به رسمیت شناختن خود، متکی به قدرت‌های خارجی خواهند شد و در نتیجه کمکی به جنبش داخل نخواهند کرد.

گروه‌ها و سازمان‌های اپوزیسیون مترقی خارج کشوری بیش از هر چیز باید کوشش کنند که در درجه نخست در داخل کشور و در متن جامعه و جنبش‌های اجتماعی، به رغم همه مشکلات و محدودیت‌های ناشی از رژیم ترور و اختناق، حضور پیدا کنند و فعالیت نمایند. در خارج از کشور، وظیفه‌ی آنها باید امر پشتیبانی از جنبش داخل کشور باشد. در کنار این وظیفه‌ی اصلی و مقدم، اما وظیفه‌ی دیگری در شرایط حساس کنونی، پیش پای جمهوری‌خواهان خارج از کشور قرار دارد از جمله مبارزه سیاسی و نظری با جریان‌های اقتدارگرا در اشکال مختلف راست و چپ، به ویژه سلطنت‌طلبان و پادشاهی‌خواهان است. این دسته با ترفندهای گوناگون و از راه امکانات گسترده‌ی تبلیغاتی خود در خارج از کشور، خواهان احیای رژیم پادشاهی در ایران هستند و در این راستا از همکاری بخش‌هایی از جمهوری‌خواهان نیز برخوردار شده‌اند. از این روست که امروزه، شکل‌گیری هر چه گسترده، فعال و مستقل جمهوری‌خواهان در خارج از کشور در دفاع از جمهوریت و در نفی آلترناتیوهای اقتدارگرا و فردگرا چون پادشاهی و سلطنت اهمیت دوچندان می‌یابد.

13- در خارج از کشور، همکاری، هم‌گرایی و اتحاد میان جریان‌های جمهوری‌خواه، دموکرات و لائیک / سکولار تنها در راستای وظیفه‌ی اصلی آنها مبنی بر پشتیبانی و سازمان‌دهی بیشترین همبستگی بین‌المللی با جنبش داخل کشور می‌تواند معنا داشته و

تأثیرگذار باشد. هم چنان که امروزه ما شاهد همبستگی بی‌سابقه جامعه بین‌المللی، نهادها و دولت‌های دموکراتیک جهان با مبارزات آزادی‌خواهانه مردم ایران می‌باشیم.

در درازای تاریخ نوزده ساله‌اش همواره خواهان همکاری و همگرایی با روندهای جمهوری‌خواه در خارج از کشور بوده و هست. این امر، به ویژه امروز، در شرایطی که جریان‌های اقتدارگرا و غیردموکرات، از طیف‌های مختلف سیاسی، با مشاهده برآمدن خیزش انقلابی در داخل کشور و احتمال فروپاشی نزدیک رژیم، سخت به تکاپو برای طرح شعارها و الترناتیوهای خود افتاده‌اند، بیش از همه ضروری و مبرم می‌گردد. از دید ما، پذیرش چند اصل اساسی زیر می‌تواند شرط همکاری و همگرایی جمهوری‌خواهان قرار گیرد:

۱- سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران؛

۲- جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین؛

۳- استقلال و یکپارچگی ایران؛

۴- عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی.

۱۴- جنبش سرنگون‌طلب ایران با رژیمی سر و کار دارد که یک قدرت بزرگ نظامی و اسلام‌گرا در خاورمیانه و در آستانه‌ی دستیافتن به سلاح اتمی است. جمهوری اسلامی ایران، برای حفظ بقا خود، هم‌پیمان با دو قدرت بزرگ جهانی، چین و روسیه، شده است و از حمایت تام و تمام این دو برخوردار است. گروه‌های اسلامگرا و تروریست در خاورمیانه - از طالبان افغانستان تا حزب‌الله لبنان با گذر از یمن، عراق، فلسطین و رژیم سوریه - همگی سخت مدافع جمهوری اسلامی ایران‌اند چون به پشتیبانی معنوی و مادی، سیاسی و نظامی او نیاز حیاتی دارند. از سوی دیگر، نیروهای دموکراتیک در سطح بین‌المللی (جامعه مدنی، احزاب، پارلمان‌ها، دولت‌ها...) نقشی نمی‌توانند و نباید به غیر از اعلام همبستگی خود با مبارزات

داخل کشور و کوشش در منزوی کردن رژیم جمهوری اسلامی ایران در جامعه بین‌المللی ایفا کنند.

برای ایزوله کردن هر چه بیشتر رژیم جمهوری اسلامی در جهان، اپوزیسیون ایران در خارج از کشور می‌تواند در راستای تحقق اهداف زیر مبارزه کند و دولت‌ها و پارلمان‌های دموکراتیک و نهادهای بین‌المللی را مورد خطاب و زیر فشار گذارد:

۱- قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست گروه‌های تروریستی؛

۲- کاهش روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی تا سطح کاردار به تناسب تشدید سرکوب و نقض حقوق بشر در ایران.

۳- اخراج نمایندگان دولت جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی (زنان، حقوق بشر، سازمان بین‌المللی کار...)

۴- افزایش بسته‌های تحریمی هدفمند با افزایش فشار بر رژیم اسلامی و عوام‌لش، و نه بر مردم؛

۵- کاهش همکاری‌های اقتصادی - تجاری با جمهوری اسلامی تا پایین‌ترین سطح ممکن، برابر با تشدید نقض حقوق بشر در ایران.

15- یکی دیگر از وظایف اپوزیسیون آزادی خواه و ترقی خواه ایران در خارج از کشور، در جهت ایجاد یک همبستگی بین‌المللی گسترده با جنبش‌های اجتماعی، مدنی، صنفی و سیاسی داخل کشور، فراخواندن نهادهای مستقل و مترقی در کشور متبوع - چون سازمان‌های زنان، حقوق بشری و ضد شکنجه و اعدام، نهادهای دفاع از روزنامه نگاران، نویسندگان و کنشگران سیاسی و عقیدنی در بند، سندیکا‌های کارگری، معلمان و غیره - به پشتیبانی فعال از مبارزات مردم ایران با برگزاری کارزارها و همایش‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ضد مردمی آن است.

۱۶- مردم ایران، تنها با تکیه به نیروی خود و مستقل از نیروها و قدرت‌های خارجی، تنها با ادامه و گسترش توانمندی خود، با تشکل‌پذیری خود در داخل کشور، توسط خود و به دست خود، در خودمختاری و خودشازماندهی، و سرانجام تنها با طرح خواسته‌هایی ایجابی و اثباتی در راستای آزادی، جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین، قادر خواهد شد از راه ایجاد جنبشی پایدار، مقاوم و مداوم در برابر قدرت حاکمه، شرایط ایجاد قدرتی دوگانه و سرانجام فروپاشی رژیم جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

وظیفه اپوزیسیون جمهوری خواه، دموکرات و لائیک در خارج از کشور، با ایجاد یک همکاری و همگرایی بزرگ میان خود، پشتیبانی از جنبش انقلابی داخل و گسترش همبستگی بین‌المللی با آن است.

این عمل میسر نخواهد بود مگر این که در جهت

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران

٤ ژوئن ٢٠٢٣ - ١٤ خرداد ١٤٠٢



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

گردهمایی سراسری دوازدهم جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لا ئیک ایران



گزارش

دوازدهمین گردهمایی سراسری جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، همراه با میز گردی متشکل از چهار نهاد جمهوری خواهی، پیرامون بررسی خیزش انقلابی اخیر و وظایف اپوزیسیون جمهوری خواه خارج از کشور، در شهر بروکسل در روزهای ۲، ۳ و ۴ ژوئن برگزار شد.

محور اصلی این گردهمایی، بررسی شرایط سیاسی ایران پس از آغاز خیزش زن، زندگی، آزادی" و چگونگی و شکل پشتیبانی ایرانیان خارج از کشور در تداوم آن بود. از آن میان طرح و بررسی وظایف جمهوری خواهان دموکرات بعنوان جمعی که نسبت به دیگر نظرات، نظراتی نقادانه تر و قابل تعمق تری دارند مورد نقد قرار گرفت.

پیشنهادهای ارائه شده از طرف نشست به مضمون زیر بود :

۱- کوشش در جهت ایجاد زمینه های عملی برای ایجاد یک فروم جمهوری خواهی به منظور همراه کردن این

جمع به هماندیشی و هم‌بینشی نزدیک‌تر؛

۲- کوشش در زمینه فراهم ساختن امکانات لازم جهت بازگشایی گفتمان‌های نظری از طریق میزگرد ها ؛

۳- کوشش در جهت فراهم ساختن شرایطی برای فعالیت‌های عملی مشترک بر اساس پروژه‌های مورد توافق.

در پایان، یک بیانیه سیاسی جهت نقد و بررسی به گردهمایی ارائه شده بود که پس از بحث و گفتگو بین همراهان به تصویب رسید. این بیانیه به نقد و بررسی همه جانبه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ "زن، زندگی، آزادی" پرداخت و راه کارهایی را برای همگرایی جمهوری خواهان در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران ارائه داد.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران امیدوار است با شرکت در متحول شدن این راه بردها، به زمینه‌های پیوند ارگانیک بین فعالیت‌های جمهوری خواهان دموکرات و خواهان جدایی دین و دولت، در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران، کمک‌رسانی کرده و گام‌های موثری در این زمینه بردارد.

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

5 ژوئن 2023 - 15 خرداد 1402



جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران